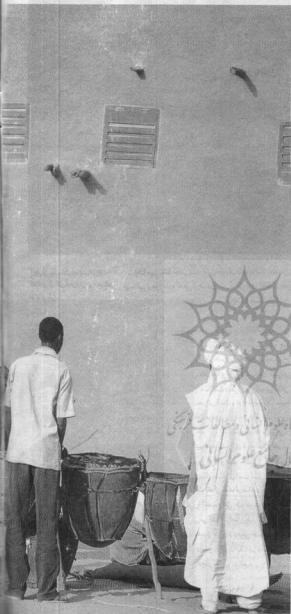


مهمان‌نوازی اف



بهشت است. روز دوم هنوز هم احساس در بهشت بودن زائل نشده، اما انسان به خود می‌گوید: اگر اوضاع به این منوال پیش برود سرت را زیر آب خواهند کرده و روز سوم فقط یک راه وجود دارد - باید فلنگ را بسته و گرنه بیرون می‌کنند

استقبال به شیوه دانمارکی

اما جالب‌ترین تجربه من از مهمان‌نوازی نه در یک کشور اسلاو و نه در یک کشور شرقی رخ داده است بلکه موردی است که در کپنهاگ پایتخت دانمارک اتفاق افتاد. یک روز شنبه درست پیش از نیمه شب، وقتی که بین فوتبال‌بست‌های مالمو و کپنهاگ مسابقه برگزار بود من وارد شدم. در واقع نصف مردم سوئد با کشتی وارد دانمارک شده و حتی یک جالباسی هم در هتل‌ها پیدا نمی‌شد. دفتر اداره جهانگردی - که نیمه شب باز بود - فهرستی از نشانی خانوادگی‌ها، که آمادگی پذیرایی از مهمانانی داشتند که جایی برای اقامت پیدا نمی‌کردند در اختیار داشت. ساعت یک صبح به خانه کسانی وارد شدم که برای پذیرایی از من از خواب برخاسته بودند. آن‌ها برای گرفتن دوش صرا به حمام راهنمایی کرده و چند سائوویج با ایما و اشاره برابم روی سیز گذاشتند چون از زبان آن‌ها جز چند کلمه‌ای که با لکت بیان کردم چیزی نمی‌دانستم. پذیرایی محبت‌آمیز و تشکر صمیمانه من با ایما و اشاره رد و بدل می‌شد. دو روز نزد آن‌ها ماندم و وقتی زمان خداحافظی فرا رسید آن‌ها به استخار من از چند سفر از دوستانشان دعوت کرده یک مهمانی برگزار کردند. اما در این جلسه نیز مقاصد ما با زبان اشاره رد و بدل می‌شد زیرا دوستانشان هم بهتر از آن‌ها زبان‌دان نبودند. آن‌ها از من پول نگرفتند و من با لاجبار به اداره جهانگردی مراجعه کرده دین خود را پرداختم. با وجود این از کسی تشنه‌ام از مسلمان‌نوازی دانمارکی‌ها تعریف کند. اکنون که چهل سال از آن زمان می‌گذرد من به این ترتیب مراتب قدردانی خود را ادا می‌کنم.

ترجمه: بهزاد

مطرب‌ها در مدارک استقبال از مهمانان در خارج از قصر سلطان در آگانز (تجریه) هستند.

ریقائی، سنتی رو به زوال؟

نوشته بابا کار فال

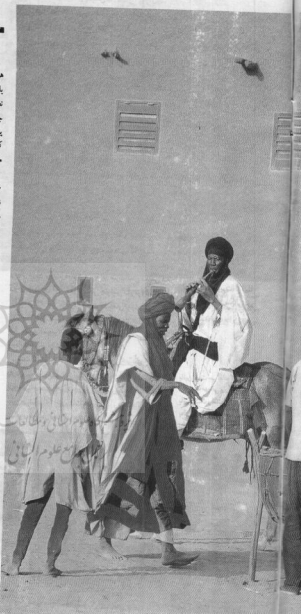
هر چند جوامع افریقائی بر حسب سلسله مراتب طبقاتی سازمان یافته‌اند که در آنها جای هر کس توسط موقعیت اجتماعی‌اش تعیین می‌شود، همبستگی یکی از خصیصه‌های برجسته‌سنتی این جوامع به شمار می‌آید. احساس همبستگی خانوادگی را که پیوندهای خونی دارند و گروه‌هایی را که در یک منطقه زندگی کرده به یک جماعت روستایی متعلق داشته و نظام ارزشی مشترکی دارند با هم متحد می‌کند.

اما این همبستگی ممکن است به افراد خارج از گروه یا جماعت نیز تعمیم یابد. این امر باعث تشویق و ترویج تحرک شده برای آسایش‌های صمیمانه اجتماعی فرصت مناسبی فراهم می‌کند. به این دلیل در سراسر افریقا رفتار با غریبه‌ها توأم با احترام و ادب است. قدیمی‌ها می‌گویند یک گریوت واقعی غریبه‌ای است که پس از گذران سنتی با میزبان در ستایش از خانواده میزبان او را تا عرش بالا می‌برد.

استقبال بسیار گرم زیر درخت اجماع

وقتی غریبه‌ها وارد ساحل عاج می‌شوند بدون اینکه کسی از آنها غرض از مسافرتشان را پرس و جو کند به گرمی مورد استقبال قرار می‌گیرند. مهمان‌نوازی توأم با وقار و تعارفات مؤدبانه و مختصر است. هوش آسوده، خانه خودتان است، راحت باشید. سپس یک صندلی به مهمان تعارف می‌کنند و در پوست نارگیل به دست او آب می‌دهند. پس از اینکه مهمان استراحتی می‌کند و خستگی سفر از تنش بیرون می‌رود، رئیس خانواده او را به غذا دعوت می‌کند. معمولاً از مهمان در فضایی باز یا روی اِسوان شیرازی می‌شود. ابتدا از او تقاضا می‌شود دستش را در ظرفی از سوسن، بام و بابیه فرو برد. سپس غذاها یکی پس دیگری از راه میرسد: مرغ، سوس، گردو و سایر غذاهای ویژه.

پس از صرف غذا مهمان در حیاط با اطباق اصلی خانه استراحت می‌کند. شربت مخصوصی که از عصاره درخت نخل گرفته شده به او تعارف می‌شود و سپس گفتگوی خودمانی آغاز می‌شود. تشبیه‌ها، قصه‌ها، ضرب‌المثل‌ها، و افسانه‌ها به این گفتگوهای دوستانه در محیطی با نشاط صفا و جلا می‌دهند به طوری که مهمان واقعا احساس خودمانی بودن و آسایش می‌کند. سپس مهمان را برای گردش در دهکده بیرون می‌برند و کندخدا با یکی از افراد سرشناس ده به گرمی به او خوش آمد می‌گوید و این سنت معمولاً زیر درخت اجماع انجام می‌گیرد. در اینجا نیز از او دعوت می‌شود تا جام دیگری از شربت درخت خرما بنوشد، و این نشان احترام زیادی است که برای او تحائل



می‌شوند جام شربت دست به دست می‌گرد تا همه در شهیدان و احترامی که به این ترتیب به مهمان گذاشته می‌شود شریک باشند.

در ساحل عاج، مهمان‌نوازی امری عادی و متداول است

مهمان‌نوازی مردم ساحل همراه با تکریم و تعارف بیشتری است. به علت فقدان تسهیلات ارتباطی در ساحل، مهمانان غالباً بدون اطلاع قبلی وارد می‌شوند. اما به محض اینکه مردم آن‌ها را ببینند به ملاقات‌شان می‌روند. پس از مبادله تعارفات و در آغوش کشیدن‌های شادی بخش و طبیعی، بار و وسائیل مهمانان از او گرفته می‌شود تا نفسی تازه کنند. در احترام به این سنت بی‌جمعا پیشقدم هستند.

مبادله طولانی تعارفات لفظی از ویژگی‌های فرهنگ مردم ساحل است. برای مساکین توکولور یا وولوف سلام و علیک اولین و بافضیلت‌ترین شکل تواضع است که سرت‌آسی می‌بخشد و الهام‌بخش دوستی عمیق و صمیمانه است.

اوایل دهه ۱۹۴۰ دانشجویی از اهالی داکار استقبال مردم «باوله» واقع در مرکز سنگال از مهمانان را به این شرح توصیف کرده: «میزبان مثل یک خوشبخت و بسیار صمیمی از مهمان استقبال و پذیرائی می‌کند. به او در وسط رختخواب که از دیدگاه آنان جایگاه افتخار است جا داده می‌شود. دوستان و بستگان حتماً باید معرفی شوند و آنگاه همه روی حصیر یا گلیم نشسته با مهمان به گفتگو می‌پردازند. یکی از دختران خانواده برایش آب خنک می‌آورد و اگر مهمان با آب وارد شده باشد، یک نفر از اسپیش مراقبت می‌کند. سپس یک غلام آب می‌آورد تا مهمان در یک محیط پوشیده خود را بشوید. پس از استراحت کامل، دو عدد میوه محلی (میوه درخت کولا) یکی قرمز و دیگری سفید به او تعارف می‌شود که هر کدام را که دوست دارد انتخاب کند.

در حقیقت مهمان‌نوازی تقریباً همیشه یکی از امور عادی و جاری زندگی خانواده است. ابتدا همه افراد خانواده از مهمان استقبال می‌کنند و سپس برای پذیرائی و مراقبت‌های بعدی، مهمان به یکی از اعضای هم‌سال او واگذار می‌شود. به محض این که ورود مهمان اعلام می‌شود، کسانی که در گروه شوی او

هستند در محل سکونت او در خانه میزبان یا او ارتباط برقرار می‌کنند. وقتی سلام و احوال‌پرسی اولیه به مساحره کشیده می‌شود، رشته زنجیر دوستی محکم‌تر و طولانی‌تر می‌شود. در موقع صرف غذا، برای او غذا می‌برند و از او دعوت به عمل می‌آید تا با تک‌تک دوستان جدیدش ملاقات کند. از او انتظار می‌رود نشان دهد که خوب غذا خورده است. گه در غیر اینصورت به ششمت از او بپرسد که ششمت صفت غریبه‌ها را رفتار کرده است. در این پذیرائی‌ها خانواده‌ها با هم فریاد می‌کنند نهایت سعی در این است که مهمان خوشنود شود. و او نیز به توبه خود به این توجهات صمیمانه با کمال ادب پاسخ می‌دهد. مهمان همچنین خوراکی‌هایی که معمولاً از تولیدات موطن او است بین حضار توزیع می‌کند.

در هر زمانی از شب یا روز که مهمان وارد شود برای احوالی نیرویی که در طول مسفر از دست داده است به او غذا داده می‌شود. اگر میزبان یعنی سرپرست خانواده غنی باشد با تقدیم حیوانی چون گوسفند یا بز به او نشان می‌دهد که چقدر از استقبال او خوششود است و این حیوان به افتخار او قربانی شده به مصرف تهیه غذا می‌رسد.

«روز سوم از مهمان کار بکشید»

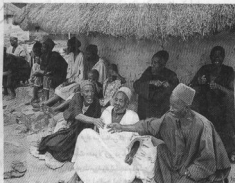
بین قبیله «توکولور»، مردمانی مهمان‌نواز که در حوضه رودخانه سنگال زندگی می‌کنند. رسم بر این است که به مهمان پناه و غذا در حد امکان داده شود. به شرط آن که چون نفسی نماند که بپاید و دیگری بیرون نرود. مردم توکولور به این ضرب‌المثل قدیمی که رئیس جمهری قبلی تانزانیا یعنی جولیس نایپوره نیز آن را توصیه می‌کرد عمل می‌کردند: «وقتی غریبه‌ای از راه می‌رسد، دو روز او را اطعام کنید، روز سوم، جلاوروی به دستش بدهید و از او کار بکشید» معمولاً همه این قوانین را درک می‌کنند و سوره استفاده از آن نادر است.

مشت اقامت معمولاً به سن مهمان و مساحت ملاقات بستگی دارد. و بین یک هفته تا یک ماه است. پس از آن مفاسد برگشت فراهم می‌شود. روز حرکت پس از یک سری مذاکرات طولانی تعیین می‌شود. آنگاه سوسات سفر، هدایا و بیخ‌بهاستی بسیاری مسافر و خوششان او در قریه‌اش جمع‌آوری می‌شود. و بالاخره



تصویر یک «گربوت» از قبیله وولوف، او نقاش سنگالی گورا امینگو.

باین، سمت چپ آماده کردن برنج برای یک مهمانی بزرگ. پایین سمت راست اهالی روستای پتوریه در ساحل عاج، در حال نماندن یک رقص آیینی.





جلسه بحث و گفتگوی بومیان در
پارا دای، واحه‌ای در ناحیه
نیسنی واقع در چاد شمالی.

مطابق یک سنت قدیمی با عالیجناب لگدک شورت می‌شود. چون بعضی روزها برای سفر خوش‌بین هستند و بعضی روزها بدبین. مثلاً غالباً روزهای چهارشنبه و جمعه از مسافرت اجتناب می‌شود.

سنت‌هایی که در حال زوال‌اند

اما بر اثر توسعه زندگی شهری سنت‌های مهمان‌نوازی در حال زوال‌اند. توجه و احترام به همسایه رونق گذشته را ندارد و غریبه‌ها در خارج از چهار دیواری خانه‌شان با مسائل بزرگی روبرو می‌شوند.

تجددگرایی نقش مخربی بر الگوهای زندگی جامعه ایسفا می‌کند. در نتیجه رشد جمعیت شهرهای آفریقا منظور قبایل ملاحظاتی در حال توسعه‌اند. آنها به علت مهاجرت دائمی از نواحی روستایی به شهرها این مسئله تشدید می‌شود و روحیه فردگرایی بر روحیه جمعی چیره می‌شود.

به دلایل مختلف به تدریج خانوادگی گسترده (که در آنها از پدر بزرگ و مادر بزرگ تا نوه‌ها با هم زندگی می‌کنند) جای خود را به خانوادگی هسته‌ای (که در آن فقط پدر و مادر و فرزندان زندگی می‌کنند) می‌دهند. این بسنی در پیوندهای خویشاوندی منجر به طرز تفکر «اول من» شده و بحران اقتصادی که نقش مهمی در زندگی جامعه امروزی ایفا می‌کند، باعث زوال روحیه دست و دل بازی و سخاوتمندی می‌گردد.

افریقاییانی که خارج از کشور هاشان زندگی می‌کنند غالباً

رنج زیادی را باید تحمل کنند. کشورهای مسکندر که در زیر فشار مشکلات اقتصادی دست و پا می‌زنند به طور فزاینده خارجیان را مسبب مسائل خود می‌دانند. به همین دلیل گاهی مردم کشورهای همسایه به طور دستجمعی اخراج می‌شوند.

با وجود این، مهمان‌نوازی که زمانی در سراسر گیش مورد احترام بود یکی از آرمان‌های بنیادی اتحاد افریقا پس از نهضت استقلال‌طلبی بود. بر اساس همین سنت‌های مهمان‌نوازی است که منشور افریقایی حقوق انسان و مردم جوامع مختلف ابزار لازم را برای محافظت از اتباع کشورهای دیگر فراهم می‌سازد. ماده ۱۴ این منشور چنین تصریح می‌کند: «هر گناه تبعه کشور دیگری به طور قانونی به سرزمین کشوری وارد شود که مشمول این منشور است، تنها با استناد تصمیمات قانونی باید اخراج شود» و بند ۵ همان ماده صراحت دارد که: «از اخراج دستجمعی اتباع خارجی باید جلوگیری شود».

متأسفانه، این احکام بعضاً مورد بی‌اعتنایی قرار گرفته‌اند. ملی‌گرایی از دیدگاه تنگ نظری در برابر ارزش‌های والای تحمل، گشاده رویی، و احترام به خود که از دیرباز روابطنی را مشخص کرده‌اند که بر پایه آنها افراد به امید استقبال گرم متوجه خود رنج سفر را هموار کرده‌اند قد علم می‌کنند. آیا این کاهش و زوال تدریجی سنت‌های مهمان‌نوازی نشانه پیدایش بحرانی در جامعه بشری است؟

ترجمه ج بهزادی

* در ناحیه سوران و سامبل حاج گسروت یک تاجر، سبک خوش خور، و شاعری برگردان حال و گفتم است.

یابا کارفال،

اعض سنگال استاد دانشگاه شیخ
آنتونیوب در داکار.